
خاک غریب

جومیا لاهیری

مترجم
امیر مهدی حقیقت



نشر ماهی

تهران

۱۳۹۸

بخش یک

فهرست

بخش یک

۱۳	خاک غریب
۷۳	جهنم - بهشت
۹۷	انتخاب جا
۱۴۳	خوبی محض
۱۹۳	به کسی مربوط نیست

بخش دو

هما و کاشیک

۲۴۵	اولین و آخرین بار
۲۷۵	آخر سال
۳۱۹	رفتن به ساحل

خاک غریب



بعد از مرگ مادر روما، پدر از شرکت داروسازی که چندین دهه توش کار می کرد بازنشسته شد و بنا کرد به اروپاگردی - قاره ای که تا آن وقت ندیده بود. پارسال فرانسه و هلند را دیده بود و تازگی ها هم رفته بود ایتالیا. با تور می رفت. با اتوبوس، همراه غریبه ها، از وسط طبیعت می گذشت. ترتیب اقامت در همه ی هتل ها، وعده های غذایی و بازدید از موزه ها از پیش داده شده بود. سفرش هر بار دو سه هفته، گاهی چهار هفته، طول می کشید. روما در طول سفر هیچ خبری از پدر نداشت. هر بار، پرینت اطلاعات پرواز پدر را با آهن ربا به در یخچال می زد و روز پروازش اخبار تلویزیون را تماشا می کرد که خاطر جمع شود هیچ جای دنیا هیچ هواپیمایی سقوط نکرده. گاهی وقت ها کارت پستی به سیاتل، جایی که روما و آدام و پسرشان، آکاش، توش زندگی می کردند، می رسید. کارت پستال ها تصویرهایی بودند از کلیساها، فواره های سنگی، بازارچه های شلوغ و بام های سفالی خانه ها که آفتاب عصرگاهی رنگ های شادگرمی بهشان داده بود. پانزده سالی از اولین و آخرین سفر پرماجرای روما به اروپا می گذشت. با دو تا از دوست هاش تور یک ماهه ی یورو ریل را گرفته بود و اروپا را چرخیده بود - روما آن موقع دستیار وکیل بود و با حقوق هایی که جمع کرده بود، پول سفرش را جور